

توصیف فعل در فارسی فیروزآبادی

دکتر روح‌انگیز کراچی *

چکیده

فارسی فیروزآبادی، از گروه گویش‌های جنوب غربی است که تاکنون تحقیقی درباره آن انجام نگرفته است و اثری نوشتاری درباره آن موجود نیست؛ بنابراین امکان فراموشی آن به علل مختلف وجود دارد.

در فارسی فیروزآبادی، فعل از نظر ساختار همانند فارسی معیار است و وجه اختلاف آن در تفاوت آوایی، واژگانی و شناسه‌های برخی از افعال به‌ویژه گذشته نقلی است. در مقاله حاضر، فعل در فارسی فیروزآبادی از دیدگاه‌های زیر بررسی شده است: ۱. ستاک حال و گذشته؛ ۲. ساختار مصدر؛ ۳. ساختار اسم مفعول؛ ۴. وندهای تصریفی؛ ۵. فعل از نظر زمان؛ ۶. فعل از نظر جهت؛ ۷. فعل‌های کمکی؛ ۸. فعل از نظر معلوم و مجهول؛ ۹. فعل اسنادی؛ ۱۰. افعال پی‌بستی؛ ۱۱. فعل از نظر ساخت.

واژگان کلیدی: گویش، گویش‌های جنوب غربی، فعل، گویش فیروزآبادی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. r_karachi@yahoo.com

۱. مقدمه

شهرستان فیروزآباد در جنوب غرب استان فارس و در فاصله ۸۵ کیلومتری جنوب شیراز واقع است. از شمال به شیراز، از جنوب و غرب به بوشهر، از شمال غرب به کازرون، از شرق به جهرم و از جنوب و جنوب شرق به لار محدود می‌شود. این شهرستان شامل ۲ شهر، ۲ بخش، ۵ دهستان و ۱۱۴ آبادی است. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت آن ۱۷۴۷۸۳ نفر است. پیشینه شهر به روزگار پیش از ساسانیان می‌رسد. در دوره اردشیر ساسانی، پایتخت اردشیر «خره» بوده است و آثاری بازمانده از شهر باستانی «گور» عظمت دیرینه تمدن ایرانی را نشان می‌دهد. این شهر سه بافت اجتماعی دارد: ساکنان عشایری ترک‌زبان، باشندگان روستایی مهاجر و ساکنان شهری که به فارسی فیروزآبادی سخن می‌گویند. فارسی فیروزآبادی از گروه گویش‌های ایرانی غربی است که تاکنون درباره آن بررسی علمی انجام نگرفته؛ این درحالی‌است که این گویش از لحاظ واژگانی بسیار غنی است و می‌تواند در واژه‌سازی و گسترش حوزه واژگانی و توانمندسازی فارسی مؤثر باشد؛ با نمونه‌واژگانی چون پوکیدن، جیکیدن، خوسیدن، دروشیدن، تنگیدن، اسدن و... که در فارسی امروزی به کار نمی‌رود.

۲. روش گردآوری داده‌ها

گردآوری داده‌ها توسط نگارنده که خود گویشور آن منطقه است و همچنین از راه گفتگو با افراد سالخورده حداقل ۵۰ ساله از گروه‌های مختلف اجتماعی، بی‌سواد و باسواد و به شیوه میدانی انجام گرفته است.

۳. موضوع بحث

هر فعل ریشه‌ای دارد که ستاک حال و گذشته از آن ساخته می‌شود.

۱.۳. ستاک حال

ستاک حال همان ریشه فعل است که به دو شیوه ساخته می‌شود:

۱.۱.۳. در فعل‌های با قاعده همان ریشه فعل است که با حذف نشانه مصدر و تکواژ

ستاک گذشته‌ساز ساخته می‌شود.

معادل فارسی	مصدر فیروزآبادی	ستاک حال
خوردن	xār-d-an	xār-
لرزیدن	derowš-id-an	Derowš

۲.۱.۳. در فعل‌های بی‌قاعده، با فرایند تغییر آوایی یا ساختاری همراه است:

معادل فارسی	مصدر فیروزآبادی	ستاک حال
بودن	bi-d-an	bāš-
مالیدن	Moštan	māl-
دوختن	doxtan	duz-
گرفتن	?esedan	sun-

۲.۳. ستاک گذشته

با افزودن تکواژهای ستاک گذشته‌ساز به ستاک حال، فعل‌های باقاعده ساخته می‌شود.

تکواژهای ستاک گذشته‌ساز: [-d]، [-id]، [-ād]، [-t]، [-ss]، [-ess]، [-ass]، [-oss] است.

معادل فارسی	ستاک گذشته	ستاک حال
خورد	xār-d-	xār-
خوابید	xows-id-	xows-
فرستاد	fers-ād-	fers-

توانست ton-oss-
 ton-
 تکواژ ستاک گذشته [-ād] در دو فعل [fersād] و [dād] و تکواژ ستاک گذشته‌ساز
 [-ss]، [-ess]، [-ass]، [-oss] در [tonoss]، [donoss]، [xāss]، [šoss]، [bass]، [nešess] و
 [šekess] دیده می‌شود.

۳.۳. مصدر

مصدر با افزودن تکواژ [-an] به ستاک گذشته فعل ساخته می‌شود.

ستاک گذشته	مصدر فیروزآبادی	معادل فارسی
goft-	goft-an	گفتن
?oftid-	?oftid-an	افتادن
xāss-	xāss-an	خواستن
pokid	pokidan	پاره کردن
jikid	jikidan	فرار کردن
derowšid	Derowšidan	لرزیدن

۴.۳. اسم مفعول / صفت مفعولی

اسم مفعول از ستاک گذشته به اضافه تکواژ [-a] / [-e] ساخته می‌شود:

ستاک گذشته	اسم مفعول	معادل فارسی
voysid-	voysid-e	ایستاده
tengid-	tengid-e	پریده
xārd-	xārd-e	خورده
raft-	raft-e	رفته

۵.۳. وندهای تصریفی

۱.۵.۳. وند وجه

۱.۱.۵.۳. پیشوند [mi-] که در ساخت فعل‌های حال اخباری، گذشته استمراری، ماضی

نقلی استمراری، گذشته مستمر به کار می‌رود:

mi-xārd-om	می خوردم
darom mi-sun- om	دارم می گیرم
dāšt-mi-rext	داشت می ریخت
mi-xowsid -ey	می خوابیده‌ای

۲.۱.۵.۳. پیشوند [be-] و گونه‌های دیگر آن [bo-]، [bu-]، [bi-] که در ساخت

فعل‌های حال التزامی و امر به کار می‌رود:

bu-xows -ø	بخواب
bu-gu-v-in	بگویند
bo-xār-om	بخورم

این پیشوند در ساخت فعل حال التزامی و امر فعل [voysidan]: (ایستادن) به کار

نمی‌رود.

۲.۵.۳. وند نفی

وند نفی، پیشوند [na-] و صورت دیگر آن [ne-] است که به شکل زیر ظاهر می‌شود:

۱. در ساخت فعل گذشته ساده، گذشته نقلی، گذشته التزامی و گذشته بعید، پیش از

فعل اصلی می‌آید:

na-xārd-om	نخوردم
na-bexte -yn	غریبال نکرده‌اید

na-zoyde -bāš-e نژائیده باشد

na-doziide –bidi نذزیدیده بودی

۲. در ساخت فعل حال اخباری، گذشته استمراری و گذشته نقلی استمراری، پیش از وند وجه [mi-] می‌آید:

na-mi-vand-om نمی‌بندم

na-mi-vordi-i نمی‌آوردی

na-mi-xowside –ym نمی‌خواییده‌ایم

۳. در ساخت فعل حال مستمر و گذشته مستمر ظاهر نمی‌شود. (این فعل‌ها ساخت منفی ندارند).

۴. در ساخت منفی همه زمان‌های گذشته فعل [umadan?] (آمدن)، به جز گذشته استمراری و گذشته نقلی استمراری، به صورت [now] می‌آید.

۵. در ساخت گذشته فعل [didan]: (دیدن)، به صورت [ney] به‌کار می‌رود.

۶. در ساخت حال ساده، فعل [bidan]: (بودن)، تابع تغییراتی است.

۷. در ساخت گذشته استمراری و حال اخباری فعل [voysidan] (ایستادن)، بعد از هجای آغازی می‌آید.

۸. در ساخت فعل حال التزامی و امر، به جای وند وجه [be-] و گونه‌های آن می‌آید:

na-xār-om نخورم

۳.۵.۳. وند شخصی/شناسه‌های فعل

شناسه‌های اصلی زمان حال و گذشته:

۱. مفرد -om

۲. مفرد -i

۳. مفرد -e/-∅

۱. جمع -im

۲. جمع -in

۳. جمع -an

۱. [-e] شناسه سوم شخص مفرد زمان‌های حال و گذشته التزامی است. (← فعل از نظر زمان)

۲. [∅] شناسه سوم شخص مفرد زمان‌های گذشته به جز گذشته التزامی است. (← فعل از نظر زمان)

۳. شناسه‌های فعلی در ساخت گذشته نقلی، گذشته استمراری نقلی، گذشته بعید نقلی به صورت زیر می‌آیند: (← فعل از نظر زمان)

۱. مفرد -am

۲. مفرد -y

۳. مفرد -∅

۱. جمع -ym

۲. جمع -yn

۳. جمع -an

این شناسه‌ها ساخت تغییر یافته فعل حال ساده (bidan) هستند.

۴. در ساخت زمان‌های حال فعل‌های [umadan]: (آمدن) و [xāssan]: (خواستن) و

هر فعلی که ستاک حال آن به واکه [ā] ختم شود، شناسه‌های فعلی به شکل زیر می‌آیند:

۱. مفرد -m

۲. مفرد -y

۳. مفرد -∅

۱. جمع -ym

۲. جمع -yn

۳. جمع -n

۵. در ساخت زمان‌های حال فعل‌های [raftan]:(رفتن) و [šodan]:(شدن) شناسه‌های

فعلی به صورت زیر می‌آیند:

۱. مفرد	-am
۲. مفرد	-y
۳. مفرد	-e
۱. جمع	-ym
۲. جمع	-yn
۳. جمع	-an

۴.۵.۳. شناسه فعل امر

فعل امر دو ساخت و شناسه دارد: دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع:

۲. مفرد	-∅
۲. جمع	-in

در ساخت فعل امر، فعل‌های [ʔumadan]:(آمدن)، [raftan]:(رفتن)، [xāssan]:

(خواستن) و [šodan]:(شدن)، شناسه‌های فعل امر به شکل زیر می‌آیند:

۲. مفرد	-∅
۲. جمع	-yn

۶.۳. وند سببی

وند سببی، تکواژ [-un] و [-on] است که اولی در ساخت فعل‌های زمان حال و دومی

در ساخت فعل‌های زمان گذشته به کار می‌رود. این تکواژها از برخی فعل‌های لازم و

متعدی، ساخت سببی می‌سازند:

فعل سببی زمان حال شناسه + [-un] + ستاک حال فعل لازم/متعدی
 →
 فعل

شناسه فعل	→	سببی زمان گذشته
mi-ras-un-om		می‌رسانم
mi-ras-on-d-om		می‌رساندم
mi-pisun-e		می‌پوساند
mi-pisond-ø		می‌پوساند
pisonde-bid		پوسانده بود
sovonde-y		ساویده‌ای
mi-sovun-i		می‌ساوانی

۷.۳. انواع فعل از نظر زمان

فعل دو زمان دارد: ۱. حال؛ ۲. گذشته.

نکته: زمان حال و آینده یکسان است.

۱.۷.۳. فعل امر

فعل امر، از ترکیب پیشوند امر + ستاک حال فعل + شناسه فعل امر ساخته می‌شود:

فعل امر → شناسه فعل امر + ستاک حال فعل + پیشوند فعل امر (be-/bo-/bi-/bu-)

bo-xār-ø بخور

bo-xār-in بخورید

برای آوردن پیشوند امر می‌توان قاعده زیر را بیان کرد، اگرچه این قاعده قطعی نیست.

اگر واژه ستاک حال فعل، [u] باشد، پیشوند فعل امر [bu-] است:

bu-gu-ø بگو

bu-sun-ø بگیر

۲. اگر واژه ستاک حال فعل، [i] باشد، پیشوند فعل امر [bi-] است:

bi-gir-∅ بگیر

bi-riz-in بریزید

۳. اگر واژه ستاک حال فعل، [ā] یا [o] باشد، پیشوند فعل امر [bo-] است:

bo-kon-∅ بکن

bo-kon-in بکنید

bo-xā-∅/bo-xo(w) بخواه

bo-xār-∅ بخور

bo-šo(w)-∅ بشو

bo-ro(w)-∅ برو

۴. اگر واژه ستاک حال فعل، [a] یا [e] باشد، پیشوند امر [be-] است:

be-var-∅ ببر

be-var-in ببرید

be-de-∅ بده

be-d-in بدهید

۵. در فعل‌های زیر، پیشوند امر برخلاف قاعده‌های بالا است:

bi-yār-∅ بیار

bi-yār-in بیارید

bi-yo(w)-∅ بیا

bi-ye-yn بیایید

۲.۷.۳. حال اخباری

حال اخباری از ترکیب پیشوند [mi-] + ستاک حال + شناسه فعل، ساخته می‌شود.

حال اخباری → شناسه فعل + ستاک حال فعل + پیشوند [mi-]

mi-xār-om	می خورم
mi-xār-i	می خوری
mi-xār-e	می خورد
mi-xār-im	می خوریم
mi-xār-in	می خورید
mi-xār-an	می خورند

برای ساخت فعل منفی آن، پیشوند نفی [na-] را در آغاز فعل می آورند:

na-mi-xār-om	نمی خورم
--------------	----------

۳.۷.۳. حال التزامی

حال التزامی از ترکیب پیشوند التزامی یا گونه های آن + ستاک حال + شناسه، ساخته می شود.

پیشوند التزامی [be-] و گونه های آن [bo-]، [bu-] و [bi-] است. آوردن هر یک از این پیشوندها، تابع واژه ستاک حال فعل است (← فعل امر).

حال التزامی → شناسه + ستاک حال فعل + پیشوند التزامی (be-/bo-/bu-/bi-)

be-derowš-om	بلرزم
be-derowš-i	بلرزی
be-derowš-e	بلرزد
be-derowš-im	بلرزیم
be-derowš-in	بلرزید
be-derowš-an	بلرزند

برای ساخت فعل منفی آن، وند نفی [na-] به جای وند وجه [be-] می‌آید:

na-derowš-om

نلرزم

فعل حال التزامی با واژه‌های زیر که «قید» هستند و پیش از آن ظاهر می‌شوند، به کار

می‌رود:

Bāyad

باید

Kāš

کاش

Kāški

کاشکی

Gāsi

شاید

Šāti

شاید

?ay

اگر

Nakone

نکند

مثال:

?ay buguve

اگر بگوید

gāsi boxāre

شاید بخورد

۴.۷.۳. حال مستمر/ملموس

حال مستمر، از ترکیب حال ساده فعل داشتن + پیشوند [mi-] + ستاک حال فعل

اصلی + شناسه، ساخته می‌شود:

حال مستمر → شناسه + ستاک حال فعل اصلی + پیشوند [mi-] + حال ساده فعل

داشتن

dārom mi-xār-om

دارم می‌خورم

dār i mi-xār-i

داری می‌خوری

dār e	mi-xār-e	دارد می خورد
dār im	mi-xār-im	داریم می خوریم
dār in	mi-xār-in	دارید می خورید
dār an	mi-xār-an	دارند می خورند

حال مستمر ساخت منفی ندارد و ساخت منفی آن، همان ساخت منفی فعل حال اخباری است.

na-mi-xār-om نمی خورم

۷.۳.۵. گذشته ساده

گذشته ساده، از ترکیب ستاک گذشته فعل اصلی + شناسه، ساخته می شود:

گذشته ساده → شناسه + ستاک گذشته فعل اصلی

derowšid-om	لرزیدم
derowšid-i	لرزیدی
derowšid-∅	لرزید
derowšid-im	لرزیدیم
derowšid-in	لرزیدید
derowšid-an	لرزیدند

برای ساخت فعل منفی آن، وند نفی [na-] در آغاز آن ظاهر می شود.

na-derowšid-om نلرزیدم

۶.۷.۳. گذشته استمراری

گذشته استمراری از ترکیب پیشوند [mi-] + ستاک گذشته فعل اصلی + شناسه، ساخته

می شود:

گذشته استمراری → شناسه + ستاک گذشته فعل + پیشوند [mi-]

mi-mošť-om	می‌مالیدم
mi-mošť-i	می‌مالیدی
mi-mošť-ø	می‌مالید
mi-mošť-im	می‌مالیدیم
mi-mošť-in	می‌مالیدید
mi-mošť-an	می‌مالیدند

برای ساخت فعل منفی آن، وند نفی [na-] را در آغاز آن می‌آورند:

na-mi- mošť –om	نمی‌مالیدم
-----------------	------------

۷.۷.۳. گذشته نقلی. گذشته نقلی از ترکیب اسم مفعول فعل اصلی + شناسه (اسم مفعول

فعل اصلی + ساخت تغییر یافته فعل حال ساده «بودن» با تغییرات زیر، ساخته می‌شود:

۱. [o] از شناسه اول شخص مفرد به [a] تبدیل می‌گردد.

۲. [e] نشانه اسم مفعول در اول شخص مفرد و سوم شخص جمع حذف می‌شود.

۳. [i] در شناسه اول شخص جمع و دوم شخص مفرد و جمع به [y] تبدیل می‌شود.

گذشته نقلی → شناسه + اسم مفعول فعل اصلی

xārd-am	خورده‌ام
---------	----------

xārde-y	خورده‌ای
---------	----------

xārde-ø	خورده است
---------	-----------

xārde-ym	خورده‌ایم
----------	-----------

xārde-yn	خورده‌اید
----------	-----------

xārd-an	خورده‌اند
---------	-----------

برای ساخت فعل منفی آن، وند نفی [na-] را در آغاز فعل می‌آورند:

na-xārd-am	نخورده‌ام
------------	-----------

۸.۷.۳. گذشته نقلی استمراری/استمراری نقلی

گذشته نقلی استمراری از ترکیب پیشوند [mi-] + گذشته نقلی فعل اصلی، ساخته می‌شود:

گذشته نقلی استمراری → گذشته نقلی فعل اصلی + پیشوند [mi-]

mi-soxt-am می سوخته‌ام

mi-soxte-y می سوخته‌ای

mi-soxte-∅ می سوخته است

mi-soxte -ym می سوخته‌ایم

mi-soxte -yn می سوخته‌اید

mi-soxt -an می سوخته‌اند

برای ساخت فعل منفی آن، وند نفی [na-] در آغاز آن می‌آید:

na-mi-soxt -am نمی سوخته‌ام

کاربرد گذشته نقلی استمراری بسیار نادر است.

۹.۷.۳. گذشته بعید/ دور

گذشته بعید از ترکیب اسم مفعول فعل اصلی + ساخت‌های گذشته ساده فعل [bidan] (بودن) ساخته می‌شود:

گذشته بعید → ساخت‌های گذشته ساده [bidan] + اسم مفعول فعل اصلی

rext-bid-om ریخته بودم

rext-bid-i ریخته بودی

rext-bid-∅ ریخته بود

rext-bid-im ریخته بودیم

rexte-bid-in ریخته بودید

rexte-bid-an ریخته بودند

برای ساخت فعل منفی آن، وند نفی [na-] در آغاز آن می‌آید:

na-rexte-bid-om نریخته بودم

۱۰.۷.۳. گذشته التزامی

گذشته التزامی از ترکیب اسم مفعول فعل اصلی + ساخت‌های حال التزامی فعل [bidan] (بودن)، ساخته می‌شود:

گذشته التزامی → ساخت‌های حال التزامی فعل [bidan] + اسم مفعول فعل اصلی

jikide bāš-om فرار کرده باشم

Jikide bāš-i فرار کرده باشی

jikide bāš-e فرار کرده باشد

jikide bāš-im فرار کرده باشیم

jikide bāš-in فرار کرده باشید

jikide bāš-an فرار کرده باشند

برای ساخت فعل منفی آن، وند نفی [na-] را در آغاز فعل می‌آورند:

na-jikide-bāš-om در نرفته باشم

۱۱.۷.۳. گذشته بعید نقلی

گذشته بعید نقلی از ترکیب اسم مفعول فعل اصلی + ساخت‌های گذشته نقلی فعل [bidan] (بودن)، ساخته می‌شود:

گذشته بعید نقلی → ساخت‌های گذشته نقلی فعل [bidan] + اسم مفعول فعل اصلی

xowside bid-am خوابیده بوده‌ام

xoswside bide-y	خوابیده بوده‌ای
xowside bide-ø	خوابیده بوده است
xowside bide-ym	خوابیده بوده‌ایم
xowside bide-yn	خوابیده بوده‌اید
xowside bide-an	خوابیده بوده‌اند

برای ساخت فعل منفی آن، وند نفی [na-] در آغاز آن می‌آید:

na-xowsid bide-am	نخوابیده بوده‌ام
-------------------	------------------

۱۲.۷.۳. گذشته مستمر/ملموس

گذشته مستمر از ترکیب گذشته ساده فعل [daš tan] و گذشته استمراری فعل اصلی، ساخته می‌شود:

گذشته مستمر → گذشته استمراری فعل اصلی + گذشته ساده فعل [dāštan]

dāstom mi-goft-om	داشتم می‌گفتم
dāšti mi-goft-i	داشتی می‌گفتی
dāštø mi-goft-ø	داشت می‌گفت
dāštīm mi-goft-im	داشتیم می‌گفتیم
dāštin mi-goft-in	داشتید می‌گفتید
dāštan mi-goft-an	داشتند می‌گفتند

گذشته مستمر، صورت منفی ندارد و به جای صورت منفی آن، از گذشته استمراری منفی استفاده می‌شود:

na-mi-goft-om	نمی‌گفتم
---------------	----------

۸.۳. فعل معین/فعل کمکی

فعل معین، فعلی است که در ساخت تصریفی فعل‌های دیگر همکاری می‌کند:

۱.۸.۳. فعل [bidan] (بودن)

این فعل در ساخت فعل‌های گذشته بعید، گذشته نقلی، گذشته التزامی، گذشته نقلی

استمراری، گذشته بعید نقلی و مستمر نقلی به کار می‌رود:

rafte bidom	→	رفته بودم	گذشته بعید
rafte bāšom	→	رفته باشم	گذشته التزامی
rafte bidam	→	رفته بوده‌ام	گذشته بعید نقلی
dāšte mirafte	→	داشته می‌رفته است	گذشته مستمر نقلی

۲.۸.۳. فعل [šodan] (شدن) این فعل در ساخت فعل‌های مجهول به کار می‌رود.

(← معلوم و مجهول)

۳.۸.۳. فعل [dāštan] (داشتن) این فعل در ساخت فعل‌های حال مستمر، گذشته

مستمر و مستمر نقلی به کار می‌رود. (← فعل از نظر زمان)

۹.۳. فعل از نظر وجه. فعل از نظر وجه به لازم و متعدی تقسیم می‌شود.

لازم فعلی است که تنها به نهاد نیاز داشته باشد:

uvā ?umadan . آن‌ها آمدند.

متعدی فعلی است که علاوه بر نهاد، به جزء دیگری (مفعول) هم نیاز داشته باشد.

mo hiškiye neydom . من کسی را ندیدم.

۱۰.۳. فعل معلوم و فعل مجهول

۱.۱۰.۳. فعل معلوم

در فعل معلوم، «نهاد» مشخص است و فعل را به نهاد نسبت می‌دهند:

?u raft

او رفت

همه فعل‌هایی که در انواع فعل از نظر زمان آمده‌اند، معلوم هستند.

۲.۱۰.۳ فعل مجهول

این فعل از ترکیب اسم مفعول فعل متعدی + ساخت‌های فعل معین [šodan] به تناسب

زمان‌های فعل معلوم ساخته می‌شود:

فعل مجهول → ساخت‌های فعل معین [šodan] + اسم مفعول فعل اصلی

xārde-šod-∅

خورده شد

xārde-mi-š-e

خورده می‌شود

xārde-šode bid-∅

خورده شده بود

xārde-be-š-e

خورده بشود

xārde-šode-∅

خورده شده است

xārde-mi-šod-∅

خورده می‌شد

۱۱.۳ فعل اسنادی

فعل‌های اسنادی فعل‌هایی هستند که جمله سه‌جزیی می‌سازند.

۱.۱۱.۳ فعل [šodan] (شدن)

این فعل علاوه بر کاربردش در جایگاه فعل «معین» در ساخت فعل مجهول، به صورت

فعل اصلی اسنادی در زمان‌های مختلف به کار می‌رود.

mi-š-e

→ می‌شود

حال اخباری

be-š-e

→ بشود

حال التزامی

šod-∅

→ شد

گذشته ساده

mi-šod-∅

→ می‌شد

گذشته استمراری

šode-ø	→ شده است	گذشته نقلی
šode-bid-ø	→ شده بود	گذشته بعید

۲.۱۱.۳. فعل [bidan] (بودن)

این فعل، علاوه بر کاربردش در جایگاه فعل «معین» در ساخت افعال زمان گذشته، به صورت فعل اصلی اسنادی در زمان حال ساده و التزامی، زمان گذشته ساده و نقلی به کار می‌رود:

۱.۲.۱۱.۳. حال ساده

hess-om	هستم
hess-i	هستی
hess-ø/he	هست
hess-im	هستیم
hess-in	هستید
hess-an	هستند
ساخت منفی آن:	
niss-om	نیستم
niss-i	نیستی
niss-ø/ni	نیست
niss-im	نیستیم
niss-in	نیستید
niss-an	نیستند

۲.۲.۱۱.۳. حال التزامی

bāš-om	باشم
bāš-i	باشی
bāš-e	باشد
bāš-im	باشیم
bāš-in	باشید
bāš-an	باشند
	ساخت منفی آن:

na-bāš-om نباشم

۳.۲.۱۱.۳. گذشته ساده

bid-om	بودم
bid-i	بودی
bid-∅	بود
bid-im	بودیم
bid-in	بودید
bid-an	بودند
	ساخت منفی آن:

na-bid-om نبودم

۴.۲.۱۱.۳. گذشته نقلی

bid-am	بوده‌ام
bide-y	بوده‌ای
bide-∅	بوده است

bide-ym	بوده‌ایم
bide-yn	بوده‌اید
bid-an	بوده‌اند

ساخت منفی آن:

na-bid-am نبوده‌ام

۳.۱۱.۳. [-e] (است)

این فعل که فعلی پی‌بستی است، در جایگاه فعل اسنادی نیز به کار می‌رود (← فعل پی‌بستی)

xunow tārīk-e خانه تاریک است.

havā(o) garm-e هوا گرم است.

divāl xarāb-e دیوار خراب است.

۱۲.۳. فعل‌های پی‌بستی

فعل‌های پی‌بستی همان شناسه‌های زمان حال ساده فعل [bidan] (بودن)، هستند که به صورت «وند» می‌آیند و با تغییراتی به اسم و ضمیر و صفت می‌پیوندند:

۱.۱۲.۳. اگر به واژهٔ مختوم به همخوان پیوندند، به صورت‌های زیر می‌آیند:

?āzād-om آزادم

?āzād-i آزادی

?āzād-e آزاد است

?āzād-im آزادیم

?āzād-in آزادید

?āzād-an

آزادند

منفی آن:

?āzād-niss-i

آزاد نیستی

۲.۱۲.۳. اگر به واژهٔ مختوم به واکه [e] بپیوندند، به صورت‌های زیر می‌آیند:

xun-am

خانه‌ام

xune-y

خانه‌ای

xun-an

خانه است

xune-ym

خانه‌ایم

xune-yn

خانه‌اید

xuna-an

خانه‌اند

۳.۱۲.۳. اگر به واژهٔ مختوم به [ā] بپیوندند، به صورت‌های زیر می‌آیند:

?injā-m

اینجایم

?injo-y

اینجایی

?injā-n

اینجاست

?injo-y-m

اینجاییم

?injo-y-in

اینجااید

?injo-n-an

اینجايند

۴.۱۲.۳. اگر به واژهٔ مختوم به [i] بپیوندند، بین واژه و فعل پی‌بستی همخوان [-y-]

میانجی می‌شود.

yexli-y-om

بی‌خیالم

yexli-y-i

بی‌خیالی

yexli-y-e

بی‌خیال است

yexli-y-im

بی‌خیالیم

yexli-y-in بی خیالید

yexli-y-an بی خیال‌اند

۵.۱۲.۳. اگر به واژهٔ مختوم به [u]، [O] و [ow] پیوندند، بین واژه و فعل پی‌بستی،

همخوان [-v-] میانجی می‌شود.

seralu-v-om سرگردانم

seralu-v-i سرگردانی

seralu-v-e سرگردان است

seralu-v-im سرگردانیم

seralu-v-in سرگردانید

seralu-v-an سرگردان‌اند

۶.۱۲.۳. اگر به ضمیرهای شخصی جدا پیوندند، بین واژه و فعل پی‌بستی، صامت‌های

[-n-]، [-v-] و [-y-] میانجی می‌گردد.

mo-n-om منم

to-n-i تویی

?u-v-e اوست

mā-y-im ماییم

šomā-y-in شماید

?uvā-n-an آن‌هایند

۱۳.۳. فعل از نظر ساخت

۱.۱۳.۳. فعل ساده. فعل ساده فعلی است که ستاک حال آن تنها یک تکواژ باشد

(به عبارت دیگر، فعل ساده با عنصر غیرفعلی همراه نیست):

jikid-om فرار کردم

derowšid-i	لرزیدی
mi-xār-om	می خورم
xārda-bid-ø	خورده بود
dāštø mi-mad-ø	داشت می آمد

۲.۱۳.۳. فعل پیشوندی. فعل پیشوندی از ترکیب پیشوند + فعل ساده، ساخته می شود:

	فعل پیشوندی → فعل ساده + پیشوند
dar-?owvord-om	برگشتم
vāz-kerd-i	باز کردی
	در این فعل وندهای وجه نفی پس از پیشوند ظاهر می شود.
Vāz-na-mi-kerd-ø	باز نمی کرد

۳.۱۳.۳. فعل مرکب. فعل مرکب از ترکیب یک یا چند عنصر غیرفعلی که پایه فعل را

تشکیل می دهند و یک همکرد (فعل ساده) ساخته می شود:

	فعل مرکب → همکرد + پایه
	پایه: اسم، صفت، قید، حرف اضافه + اسم یا ضمیر،
dār kerd-an	آویزان کردند
bār mi kon-e	غذا می پزد
?a ham xārd-an	برخورد کردند
ru ā var mikone	به رخ می کشد
šur na-mi zan-im	بی تابی نمی کنیم
tow xārd-ø	تاب خورد
bong-na-zan-ø	صدا نکن

۴. نتیجه‌گیری

بررسی گویش‌های ایرانی، امری ضروری است؛ این گویش‌ها باید پیش از فراموش شدن، گردآوری شده و تحقیق بر روی آن‌ها انجام شود. نگارنده در این پژوهش کوشید، فعل در فارسی فیروزآبادی را بررسی کند. در این توصیف (چنانکه مشاهده شد) فعل فیروزآبادی در مقایسه با فعل در زبان فارسی معیار، نوعی اختلاف در آوا، واژگان، شناسه‌ها و وندها را نشان می‌دهد:

۱. تفاوت واژگانی؛ مثلاً: پریدن، لرزیدن، گرفتن، پاره‌کردن، فرارکردن.

tengidan , derowšidan , esedan , pokidan , jikidan

۲. تفاوت آوایی با فرآیند حذف و ابدال؛ هم‌چون: خاردن (خوردن)، دختن (دوختن)،

خووسیدن (خوابیدن)، فرسادن (فرستادن).

Xardan , doxtan , xosidan , fersadan

۳. تفاوت در شناسه‌ها و برخی وندها: ۱. شناسه اول شخص مفرد و سوم شخص جمع

افعال زمان حال و گذشته؛ ۲. شناسه‌های فعل امر در برخی افعال؛ ۳. شناسه‌های گذشته

نقلی؛ ۴. وندهای سببی و ستاک گذشته.

کتابنامه

۱. ارژنگ، غلامرضا (۱۳۷۴). دستور زبان فارسی امروز، تهران: قطره.
۲. باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
۳. کلباسی، ایران (۱۳۷۰). فارسی اصفهانی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴. کلباسی، ایران (۱۳۷۳). گویش کلیمیان اصفهان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. مقیمی، افضل (۱۳۸۱). «فعل در گویش مردم روستای بایگان»، تهران: نخستین همایش ملی ایران‌شناسی.
۶. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۳). دستور زبان فارسی ۱، تهران: سمت.